

eMey.com



The King Of Pop

معا حبه بار بوم

برزمین آرزو

1958 to

مایکلس

فهرست

3	اخبار
5	انتقاد
6	جوابیه
7	شیه سازی
7	آزمون
8	مایکلیسم
13	وبلاگ شناسی
16	اسکار
20	مصاحبه
24	پیش بینی
24	پایان نامه

سردبیر

احسان

طراح جلد

ماهان

تدوین

وحید

نگارنده ها

احسان

وحید

ماهان

عرفان

فرناز



سلام . برای این هفته دو به شک بودیم که شماره ی هفته نامه
14 هستش یا 13 +1.

به هر حال هفته ی قبل هفته نامه بدون حضور من موفق بود و این
جای خوشحالی داره. این هفته هم

در خدمت شما هستیم با انتقاد به سبک احسان. مایکلیسم. اخبار
هفته و اسکار و....





➤ کاملیای عزیز تولدت مبارک.

➤ Don Enferadione به اغوش گرم هفته نامه بازگشت. ایشان که رفته بودند تا سیاحت نامه ی انفرادیون بیگ رو بر روی کاغذ بیاورند متوجه شدند که هیچ جایی فروم مایکل همیشه و فلفور خودشون رو دیپورت کردند.

➤ بحث سر سانسور مطالب هفته ی قبل جنجال افرید. بعد از انتشار مطالب هفته نامه ی شماره ی 13 بحث های مدیریتی در هفته نامه بالا گرفت. به طوری که کلمنزو تا مرز استعفا پیش رفت ولی با مداخله ی رئیس و فرستادن 100 صلوات محمدی همه چی ختم به خیر شد. اما شرح کامل قضیه:

بعد از منتشر شدن هفته نامه وقتی کلمنزو متوجه میشه که 70٪ مطالب هفته نامه زیر قیچی رفته دست به اعتصاب زده و اعلام میکنه که: اقا مدیریت قاتله هفته نامه باطله. البته در این میان وحید هم دست کمی از کلمنزو نداشت ولی در نقطه ی مقابل وی ایستاده بود که اقا وقتی از بالا دستور بیاد باید بدون هیچ چون و چرایی اجرا بشه، اصلا یک کلام ختم کلام: مدیریت رهبر است ولایتش ولایت حیدر است.

اما بالاخره رئیس وارد عمل شد و با توبیخ های هنگفت قائله را ختم به خیر کرد. با این تفاسیر فعلا وضعیت درون هفته نامه ای پر تنش گزارش شده است.

➤ به گزارش سایت خبریه امجی فنان جوان حمید برای دور کردن نحسی 13 ، شمار ی هفته نامه رو به صورت 12 +1 نوشت . حالا معلوم نیست حمید از سریال اپارتمان شماره ی 13 تقلید کرده یا واقعا به این اقلام خرافات اعتقاد داره.

➤ فروم امجی هنوزم که هنوزه عاشقانی داره که دست از شستن و فقط دارن برای سلامتیش دعا میکنن.

➤ تازگی ها گروهی در فروم به وجود آمده به عنوان سمبشمیگ (ستاد مبارزه با شبکه های ماهواره ای یاهو گو).هدف این گروه بمباران کردن شبکه های ماهواره ای و در راس ان شبکه ی TV Persia هستش.همچنین حمید باقرلی اعلام کرد خ.غیاسی هیچ غلطی نمیتواند بکند.

➤ در هفته های اخیر بخش هنر و فیلم فروم بسیار فعال شده.به طوری که بعضی از گروه های چپ گرا خواستار تعویض نام فروم از فروم مایکل جکسون به فروم مارلون براندو شدن. حال باید دید این افراد با مشت کوبنده مواجه خواهند شد یا طبق سیاست همیشگی، مدیریت سکوت خواهد کرد و در حقیقت توجهی به انها نخواهد کرد.





بعد از چند هفته تصمیم گرفتیم این هفته انتقادی کنیم از سر منشا منتقدان یعنی خود هفته نامه.

هفته نامه ی ما الان نزدیک 3 ماهه که فعاله. در این 3 ماه متاسفانه هیچ وقت خوش قول نبودیم. متاسفانه همیشه مشتاقین هفته نامه رو منتظر گذاشتیم. البته دوستان علاقمند هم همیشه ما رو شرمندہ کردن و هیچ وقت لب به اعتراض باز نکردن. باید اول خودمون رو اصلاح کنیم سپس نوبت به گیر دادن به سایرین برسه. هفته نامه ی ما هر هفته مایکلیسمی رو منتشر میکنه که ظاهرا به جز من خیلایه دیگه هم نمیکشونش. من 2000 بار به وحید گوشزد کردم که حاج اقا خواهشا از این همه ایده ای که مخاطبان ما برامون میفرستند و بهمون پیشنهاد میکنن استفاده کن ولی ظاهرا حاجی حرف ما رو هم قبول نداره. ماهان هم تازگیها فعال شده. قبلا وقتی متوجه محبت اعضا به هفته نامه شد از این همه محبت شرمسار به گوشه ای خزید و سر در کتاب و درس دانشگاه کرد و متمرکز روی امتحانات شد و در این برهه ی زمانی حساس ما رو تنها گذاشت.

اعتراضی به فرناز وارد نیست. بالاخره درس و مشق و از همه مهمتر مهمانداری حسابی مشغولش کرده. یکی از مشوقین فرناز هم مهمان عزیزش هستش که با القای روحیه به فرناز و ما باعث شده با خوشی بزنه زیر دلمون و بگیم حالا که استقبال شده بهتره عطش مردم رو افزایش بدیم. ظاهرا موفق هم شدیم ولی شبها خواب راحت ندارم. فکر میکنم اعضا ما رو حسابی لوس کردن. شاید اگه کمی تحویلومون نگیرن، ما هم سرمون به سنگ میخوره. وگرنه باز هم همین اشه و همین کاسه.

در اخر هم نوبت میرسه به خودم که معلوم نیست میخوام رو هفته نامه کار کنم یا قسمت دیگه ای از رادیو رو بسازم. البته اینجا دیگه تقصیر کار بنده نیستم. استقبال از منتشرات بنده و دوستان به قدری زیاده که من نمیتونم محبت های شما رو بی جواب بزارم. من هر هفته اخبار ضد و نقیضی رو مینویسم و در انتقادات هم زمین و زمان رو به هم میدوزم که اقا این بنده اون بنده. البته با اینکه انتقادات من خیلی تند و تخریبی بوده ولی دوستان مخاطب انتقادات من خیلی تغییر کردند و شاید این تنها نکته مثبت هفته نامه باشه. شاید در آینده کمی بهتر بشیم. اما شما نباید در کوتاه مدت انتظار تغییر 180 درجه ای رو از ما داشته باشید.

جوابیه

چون کارتونسش هم زمان کودکی ما بخش میشد مایک خجالتی ما و این حرکت پیش چشم کلی آدم؟

شاپرک
(کاربر)



با استناد به این دوجمله، گروه تجسس و تحقیق هفته نامه اعلام میدارد که شخصیت "شاپرک"، خانوم کاترین جکسون عزیز هستند که از طریق گوگل ترنسلیت در فروم ما فعالیت میکنن! نام شاپرک هم ترجمه ماشینی کلمه "باترفلای" است! فقط یک سوال! مایک خجالتیتون چی شد خواستگاری لیزا رفت و به شما نگفت و خجالت نکشید و سر عقد زنگ زد! چی شد که ... و ... و ... و !!! باز شما مایک رو بهتر از ما میشناسین!!!

Elnaz
(مدیرسایت)



حمید لطفا لینک جایی که این رو خوندی میدی

وقتی دایرة المعارف و مایکل پدیا
ناطق فارسی اینگونه درخواست
منبع میکند قطعاً باید در صحت خبر
شک کرد!!!

hbmj2
(مدیرسایت)



بادش بخیر بعد از درست کردن این بتر، من چقدر مورد بی احترامی عده ای از هواداران قرار گرفتم مخصوصاً تو ایمیل ها!

وقتی عقیده عقده خوانده میشود و نور چراغ در اب، مهتاب تلقی . . . نان از
یتیم خانه میدزدیم و میفهمیم دزد اشتباه چایی درد است . . .
پس انتظار بهتری نداشته باش . . . !

کوچکترین طرفدار
(کاربر)



باعث میشه که احتمال بدم مایکل برای اون سکانس از این فیلم الهام گرفته

چرا شایعه میسازی آقا! کجا مایکل الهام گرفته!
مایکل فقط یه بار لیزا رو گرفته یه بار هم دبی رو!
الهامی در کار نبوده! میگی نه برو از شاپرک
بپرس!! باز ایشون بهتر میدونن!!



سلام العلیک، هی ما نمیخوایم از این آقای حمید باقرلی بنویسیم، هی خود ایشون دست ما سوژه میدن، در این هفته که همه در صلح و خوشی در انتظار رسیدن جشن بالماسکه بودیم، یک دفعه در شب شعر که افراد سن پایینی هم بودن، حمید باقرلی اعلام کرد که: « بچه ها، ویدئو You Are Not Alone دیدین؟» ما هم گفتیم که: « آره دیدیم، چطور مگه.» بعد حمید خان باقرلی گفت که: « اون ویدئو مایکل لخت بوده، بعدا دیدن ضایعس، اون حوله رو بهش اضافه کردن!». بعد ما هم گفتیم که: « خب که چی؟ مثلاً میخوای چی رو اثبات کنی؟ بیکاری برو بابا به درس و مشقت برس.» بعد وقتی شیخ حمید باقرلی دید که کسی توجه نکرد، گفت که: « راستی من بعضی جاهای لیزا رو دیدم. 🍷 » بعد ما هم گفتیم که: « عزیزم برو به درس و مشقت برس. وقت خوابت گذشته.» به هر حال از این حرف حمید نتیجه میگیریم که حمید کالا تو خیال پردازی هاش مایکل رو لخت میبیند... بالاخره این نتیجه رو دانشگاه علوم و فن آوری امجی دات کام هم طبق آزمایشاتی گرفته است... پس باور کنین! 🐱

1) جرمین جکسون: به مدیون است!

الف) حمید - الناز ! ب) تیم ملی اسپانیا - بارسلونا !

ج) ملت ایران - هشت سال دفاع مقدس ! د) باراک - مایک !

2) کلمنزو خطاب به بوناسرا: وحید میبینم که بالاخره در تو اثر کرد و در راستای موهانو کوتاه کردی!!!

الف) ای وی ان اواردز - رسیدن به شماره های گوشی حمید

ب) سخنان حمید - خروج از وضعیت منشوری ها برای شروع

ج) عذاب وجدانت - ابراز ندامت از مشکلات تنفسی ایجاد شده ناشی از تو برای اعضای خانوادتون

د) ارث سانگ - حفظ محیط زیست و طبیعت و ایجاد هوای پاک

3) حمید جوزف رضا دوم باقرلیسون: اصلاً هدف این ویدئو نشون دادن مایکل و همسرش بوده، به حالتی که دیده نشه!!!

الف) برهنه - گردی صورت و دست ها و پاها از مچ!!! ب) عریان - دستگاه عصبی و گوارشی

ج) گلشیفته - سمت چپ ! د) لخت - دستگاه تناسلی!



مایکل جکسون یک دروغ بود...

وکیل: پس من روی داستان عشق تو و لیزا کار میکنم.

مایکل: باشه

چند وقت بعد...

مایکل و لیزا: ما ازدواج کردیم!!!

مایکل به وکیلش میگه: خب حالا ما ازدواج کردیم، یعنی همه مشکلات حل شد؟

وکیل: دِن دِ، فکر کردی ازدواج کنی دیگه تمومه؟ نه عزیزم تازه شروع شده!

مایکل: خب برنامه ت چیه؟

وکیل: یک کار تحریک آمیز با لیزا در عموم، مصاحبه و مظلوم نمایی و چند تا کار دیگه که خصوصیه نمیشه جلو جمع گفت!

مایکل: چی بدبختی ما گیر کردیم ها! باشه...

چند وقت بعد...

بوسه مایکل و لیزا در جشنواره ام تی وی موزیک آوارادر 1994، مصاحبه با پرایم تایمز و مظلوم نمایی و باز کردن موضوعات به شکل متفاوت، بودن لیزا در اون مصاحبه... جواب های لیزا که 70 درصدش با شک گفته میشه!

مایکل در مصاحبه پرایم تایمز: اون چیزی که میبینی، من نیستم...؛ راستی فیگور آخر مصاحبه رو هم فراموش نکنی ها! (من بردم! مثلا جنگ بوده!)

مایکل: خب وکیل جان، اون کارهای خصوصی رو نگفتی! اون کارها رو چراغ خواب اتاقت بهت میگه...

مایکل داره برمیگرده به اوج ولی متفاوت، ایندفعه میخواد از اتفاقاتی که براش افتاده بیشتر بگه تو آلبومش، میخواد یک نزدیکی بین درون خودش و اون چیزی که در عموم هست، ایجاد کنه! (از بین بردن تناقض در عموم) برای اولین بار، history around world! مایکل برای telaviv مثل دنجروس تور دعوت شد ولی نرفت! نه مثل اینکه قضیه جدیه!

Beat me Hate me You can never Break me Will me Thrill me You can never Kill me Jew me Sue me Everybody Do me Kick me
Kike me Don't you Black or white me

مایکل به وکیل: احساس میکنم که اون چیزی که دارم نشون میدم، خودم نیستم، دروغ شدم...

وکیل: نه دروغ نمیگی، بذار قضیه رو برات روشن کنم، تا حالا هولو خوردی؟ مایکل: آره خوردم، وکیل: خب هولو اون ماده اولیه ش که میخوری، خیلی شیرینه، این تو هستی از دور، اون چیزی بیشتر عموم میبینی یا اینکه ما سعی کردیم که ببینن، یک هسته سفت داره، اون چیزی هست که طرفدار هات و اطرافیانت میبینن، اما باز اینم اون چیزی نیست که تو میخوای، تو میخوای که کاملاً درکت کنن، پس تو برای خودت، اون دانه وسط هسته هستی!

مایکل: آره مرد، راست میگی... خیلی دلم میخواد که حداقل طرفدار هام اون دانه وسط هسته منو ببینن و درک کنن، امیدوارم یک روزی بیاد که اینطوری بشه...

وکیل: میگم تو نمیخوای یکم خودتو تو آهنگهات بیشتر تخلیه کنی؟

مایکل: چرا، میخوام، وکیل: خب شروع کن، پسر!

They wanna get my ass dead or alive
You know he really tried to take me
Down by surprise
I bet he missioned with the CIA
He don't do half what he say
...

Thomas Sneddon is a cold man
Tom Sneddon is a cold man
Tom Sneddon is a cold man
Tom Sneddon is a cold man

مایکل به این فکر افتاده که خودشو به مردم نشون بده، اون چیزی که هست، اون چیزی که فکر میکنه و از یک سری چیزا هم اعتراض کنه، بگه که: واقعا حق من بود که باهام اینکار رو نکنی؟ حالا مایکل با لحن آهنگهاش اینو گفت... مایکل میخواد روشش رو

عوض کنه، میخواد اونقدر اوج بگیره که حتی کسی دیگه نتونه ببینتش، چه برسه که بخواد فکر رسیدن بهش رو بکنه ولی در عین حال میخواد، مثل یک درخت، سبز و پاک و مفید برای مردم و جهان و کاملاً در دسترس و قابل رسیدن بهش باشه!

Scream, They don't care about us, Stranger in Moscow, This time around, Earth song, D.S, Money, Come together, You are not alone, Childhood, Tabloid Junkie, Too bad, History, Little Susie, Smile! (چقدر معنی های زیبایی میتون داشته!)

باشن اسامی این آهنگها! مهم نیست که با جیغ شروع بشه و با خنده تموم شه، مهم اینه که با دو تا "اس" قصد و مقصود بشه!)

اعتراض، اعتراض، اعتراض (جهان)، اعتراض، نوع تفکر، مسخره کردن اعتراض، اعتراض، فراخوان، چیزی که میخواست از طرفداراش بشنوه، اون چیزی که هست، اعتراض (شخصی)، فراخوان برای اعتراض، اون چیزی که بود و تشکیل شد، فراخوان برای اون چیزی که فکر میکنه، خنده به همه این موارد و خودش!

کسی تو خونه هست؟ مثل اینکه کسی نیست، یک سر به مصاحبه پرایم تایمز بنزیم: در حین نشون دادن اونها، خودم یک توضیحات اضافی با همین نوع فونت میدم...

"مایکل: هر روز اینجا و اونجا رفتن، میدونین، مردم و حرفهای چرند..... خودم را غریب احساس میکنم.

دیان سایر: سال 1979، او به سیلویا چیس گفت که مردم به او اجازه نخواهند داد تا فقط طبیعی باشد (شروع داستان، امشب سینما یادتون نره)

"مایکل: من میخوام پنج تا چرخش انجام بدم و بعد روی انگشت شست پام بایستم و همونجا به همون حالت بمونم. میدونین، و این کار را انجام ندادم. ولی اونها این موضوع را نمی دونستن". (یک مفهوم راحت برای درک نشدن)

دیان سایر: پس آینده هر چیزی که باشد، موسیقی همیشه در نهاد این مرد خواهد بود، کسی که میگوید به زودی به جایی باز خواهد گشت که در آنجا بیشتر از هر جای دیگر احساس راحتی میکند. (منظورش هیستوری تور و کنسرت هست، چرا من اینجا گذاشتم این بخش رو؟ مایکل روی صحنه نمیتونه دروغ باشه! خود خودش، برای همین از هر جای دیگه احساس راحتی بیشتری میکنه!)

این ازدواج چطوری اتفاق افتاد؟ چطوری شروع شد؟ اجازه بدین حدس بزنم که این اتفاق اطراف یه خلیج کوچیک یا هات داگ فروشی یا چیزی مثل این رخ نداده. چه موقع شروع شد؟ قرار ملاقاتها کی گذاشته شد؟

مایکل: خوب، ما اولین بار..... اون 7 سالش بود و من 17. در لاس وگاس بود..... اون تمام مدت عادت داشت که بیاد و شوهای من را ببینه. ما یه شوی خانوادگی داشتیم و اون عادت داشت که بیاد، به عنوان یه دختر کوچولو. و درست روبروی من می نشست. اون معمولاً میومد. با تعداد زیادی محافظ و..... (چقدر جالب، مثلاً من یک پسر 17 ساله، توجه منو یک دختر 7 ساله به این شکل جلب کنه!)

دیان سایر: آیا باهات در تماس بودی؟ مایکل: مطمئناً، مطمئناً. اون به پشت صحنه میومد..... بعد من، میدونین..... سلام میکردم، حرف میزد و بعد اون باز هم میومد. و من فکر کردم که اون مهربون و شیرین بود و آرزو میکردم..... همیشه آرزو میکردم که دوباره ببینمش (چقدر اومد این لیز!!!!، همیشه در حال اومدن بوده! آرزو میکرده دوباره ببینش!!! بالاخره برای اولین بار تو جهان، یک پسر 17 ساله، علاقه مند به یک دختر 7 ساله شده، بله!!!!)

لیزا ماری: ما از اون به بعد با هم در تماس نبودیم (جدی، پس یعنی 20 سال بعد یک دفعه اومد خواستگاریت؟)

مایکل: نه با هم در تماس نبودیم. (تو چرا تایید میکنی؟)

دیان سایر: و اول کی راجع به ازدواج صحبت کردی؟ (تو هم متوجه شدی که یکم داستانشون تابلوه؟)

لیزا ماری: اون، اون..... ادامه بده، میخواستی بگی، ادامه بده. (لکنت زبون گرفتی یک دفعه؟ باشه پاس بده به مایکل، دفعه بعدی داستان رو مرور کن!)

مایکل: نه، تو میتونی بگی. تو حافظه ی خوبی داری. (یعنی منم یادم رفته، حالا چیکار کنیم لیزا، بدبخت شدیم!)

لیزا ماری: خوب، تو گفتی که تو قصد داری اونو بگی. (بگو دیگه، منو تو این موقعیت قرار نده!)

(اینا تعارف بود برای تعریف کردن ها!)

دیان سایر: این هم از اولین جروبحث ما، اینجا ودر این ساعت. (اینقدر تعارف هاشون تابلو بود که همه فهمیدن تابلوئه، نه؟ خيله خب تیکه انداختن بسه به این قضیه!)

مایکل: خوب، خوب..... در ابتدا، این چیزی بود که اتفاق افتاد. وقتی اون 18 سالش بود، من عادت داشتم به وکیل «جان برانکا» بگم که «تو لیزا ماری پریسلی را میشناسی؟» و اون میگفت «خوب من نماینده ی مادرش هستم» من میگفتم «خوب تو میتونی باهاش تماس بگیری؟ چون فکر میکنم که اون خیلی بامزه و جذابه» و اون هر دفعه میخندید و میگفت «من همه ی تلاشم را میکنم» بعد میومد و من بهش میگفتم «خوب، فهمیدی؟» و اون هم میگفت «نه، هیچی نیست» و من همیشه در مورد این موضوع بهش تذکر میدادم. بعد از اون متوجه عکسی روی جلد یه مجله شدم که عکس عروسیش بود که واقعاً من را تکه تکه کرد. چون احساس میکردم که اون آدم باید من باشم. واقعاً این احساس را داشتم. (هیچ حرفی در این مورد ندارم!)

دیان سایر: اولین بار کی در مورد ازدواج صحبت کرد؟ (من زودتر جواب بدم؟ زبیسینگ، وکیل مایکل!)

مایکل: من گفتم (جدا؟)

لیزا ماری: اون گفت (این جواب محض تاکید بود!)

دیان سایر: کی؟ کجا؟

مایکل: کی؟ کجا؟ (برای خودتم سوال پیش اومد؟)

لیزا ماری: پشت تلفن (چطوری بوده که مایکل یادش نیست!)

مایکل: اوه. بله، بله..... پشت تلفن (هنوز سه نشده، لازم نیست سریع طبیعی ش کنی و خودتو به فراموشی بزنی!)

لیزا ماری: اون اول از من پرسید "ما الان 4 ماهه که با هم قرار ملاقات میگذاریم، درسته؟ 4 ماه" (مگه تو نگفتی که از موقع 7 سالگی جناب عالی و اون آقا با هم دیگه در تماس نبودین؟ بعد 4 ماهه که با هم قرار میذاشتین؟)

مایکل: من یادم نیامد. (من یادم میاد! فکر کنین، با یک دختر چند وقت قبل قرار بذارین، بعد ندونین چه مدت و چجوری باهاش قرار میذاشتین! تازه عاشق طرف مقابل هم باشین! اونم چه کسی یادش نیامد!!! مایکل که تا تک تک روزهای خودش با دایانا یادش میاد بعد اینو یادش نیامد! راستی مگه اونجا حرف لیزا رو مبنی بر اینکه دیگه در تماس نبودین، تایید نکردی؟ حواستون کجاست؟!!! راستی مایکل، تو چقدر پاکی که نمیخواهی دروغ بگی، هی جواب سر بالا میدی و لیزا دوباره جواب میده!)

لیزا ماری: به هر حال..... ما وقت زیادی رو با هم میگذروندیم. نمیدونم این موضوع چطوری به مطبوعات راه پیدا نکرد. چون ما این موضوع را مخفی نمی کردیم. در لاس وگاس..... ما در..... (به مطبوعات راه پیدا نمی کرد! تا حالا خبری بوده از مایکل که به مطبوعات راه پیدا نکته؟ بعد خبر قرار گذاشتنش با لیزا ماری پریسلی به مطبوعات راه پیدا نکرد، تازه مخفی هم نکردین! پاپاراتزی ها الان براشون سوال شد که مایکل تو اون مدت اصلاً آمریکا نبوده، بعد تو لاس وگاس با لیزا بوده؟ یعنی چی؟)

مایکل و لیزا ماری: ما همه جا با هم بودیم (بله، بله، هیچکس هم نفهمید و ندید شما رو با هم؟!!! مگه تو آمریکا بودی اون موقع ها؟)

لیزا ماری: همه جا! (چقدر جالب، این وسط خود لیزا هم دید که یک سوتی داد که چجوری قرار گذاشتن هاشون که به قول خودشون همه جا هم با هم میرفتن، به مطبوعات راه پیدا نکرد؟ شاید مایکل و لیزا تغییر قیافه میدادن، نه؟ امکان داره! شایدم نامرئی میشدن، کشف کردم، نامرئی

میشدن! اصلا از این خبرا نیست، به مطبوعات راه پیدا نکرد، چون قرار گذاشتی در کار نبود! مردم شب خوابیدن صبح پا شدن، تو روزنامه خوندن که، مایکل و لیزا: ما ازدواج کردیم...؛ چقدر جالب! قرار میذاشتیم، بعد کسی نفهمیده! فکر کنین، مایکل که تو دستشویی هم میرفت، پوشش خبری میشد، بعد با لیزا همه جا رفته، هیچکس نفهمیده! تازه مخفی هم نمیکردن! من به جای اون وکیل مایکل بودم، داستان بهتری سر هم میکردم! اصلا ازدواج یکم زود بود، موندم که داستان اینکه مایکل تا سالها از اون اتهامات رنج و عذاب میکشیده رو باور کنم یا قرار گذاشتن هاش با لیزا رو! اتهام خورد به مایکل، چندین ماه طول کشید تا این قضیه حل بشه، چندین ماه بعدش این قضیه تو مطبوعات بود، مایکل تورش رو کنسل کرد، دوباره اعتیاد به داروهای مسکن پیدا کرد، ماهها تو این اعتیاد بود، بعد الیزابت برداشتش بردش بیرون آمریکا، ترک کرده مایکل، بعد برگشته و هنوز هم تو افسردگی بوده، بعد هم رفته سراغ آلبوم بعدیش که تأثیرات این افسردگی تو هیستوری هست! بعد این وسط کجا با لیزا قرار میذاشته؟ تازه کسی هم نفهمیده! پیش خودم میومدی مایکل تا یک داستان مثنی با بروک شیلدرز برات درست کنم که خودت هم کف میکردی! این مصاحبه 13 ماه بعد از اتهامات مایکل هست و اون موقع تازه خبر ازدواج مایکل و لیزا پخش شده بوده بعدش 4 ماه قبل هم بیایم عقب میشه 9 ماه، که ازدواج حدود 1 ماه قبل بوده، پس 9 ماه میشه 8 ماه، 8 ماه بعد از اتهامات مایکل با لیزا قرار میذاشته! این زمان ها یادتون باشه برای مایکل یسم هفته بعدی!!!!!!)

منبع ترجمه مصاحبه پرایم تایمز: امجی دات کام، قسمت زندگینامه مایکل جکسون، مصاحبه های مایکل، مصاحبه پرایم تایمز!



منبع متن آهنگها: امجی دات کام، قسمت زندگی نامه مایکل، ترانه ها!

این منابع رو بهتون آدرس دقیق شو دادم که برین بخونین، به درد دنیا و آخرتون میخوره!

ادامه دارد...





وبلاگی که این هفته برای بررسی انتخاب کردیم وبلاگ "سرزمین آرزوها" هستش.

در این وبلاگ مطالب متنوعی پیرامون مایکل جکسون وجود داره



این وبلاگ از اون سری وبلاگ هایی هستش که هر چند روز یه بار آپ میشه و نویسنده فعالی داره

مطالب این وبلاگ به پنج دسته تقسیم شده:

دانلود کتاب E.T

در بخش دانلود کتاب E.T ، شما میتونید به متن فارسی و انگلیسی کتاب E.T در قالب PDF دسترسی داشته باشید

در بخش دلنوشته ، شاهد دلنوشته های نویسنده وبلاگ پیرامون مایکل جکسون ، خواهید بود

در بخش مقاله-ترجمه-دانلود ، مقاله ها و ترجمه هایی پیرامون مایکل جکسون و موضوعات مختلف رو شاهد خواهید بود

در بخش عکس فرزندان مایکل ، شاهد جدید ترین تصاویر فرزندان مایکل جکسون ، خواهید بود

در بخش مقاله ، مقالاتی اکثرا پیرامون مایکل جکسون رو شاهد خواهید بود

همچنین شما در این وبلاگ علاوه بر دسته بندی های فوق ، بر اساس آرشیو ماهیانه و آخرین مطالب هم میتونید به مطالب دسترسی داشته باشید

متأسفانه نویسنده این وبلاگ چند روزی در دسترس نبود و نتونستم با ایشان مصاحبه کنم

شما میتونید با مراجعه به آدرس زیر از مطالب مفید این وبلاگ استفاده کنید و با نظراتتون نویسنده وبلاگ رو در بهبود هرچه بیشتر وبلاگش یاری کنید:

<http://returntoneverland.blogspot.com/>



سلام دوستان ام جی فن

این هفته در خدمتون هستیم با اسکار به سبک ام جی دات کام

خب از اونجایی که هفته پیش دوستان گفته بودن چرا همش از خانوم ها دعوت میکنی بیان این هفته دعوت میکنیم از این دوتا خانوم و آقای محترم تا عدالت هم برقرار بشه



خب بریم سراغ نامزد های بهترین پست در این هفته:

فرشاد... برای متن ترانه های مایکل در قالب pdf

#25891

متن ترانه های مایکل در قالب PDF 08 جولای 2012 20:34

از آلبوم تریلر شروع میکنم.
متن تمامی ترانه های این آلبوم به صورت پی دی اف با حجم 200 کیلوبایت : www.mediafire.com/?7ir3rck8g6fxvl6k

طرح روی جلد:

متن ترانه های آلبوم تریلر

Farshad.emjey
(کاربر)

آفلاین

Will You Be There

ارسال ها: 303
سیاس گفته شده: 148

حمید... برای توضیح در مورد کاور فارسی آهنگ you rock my world

#26040

بحث و بررسی اخبار مایکلی میوز 2012

حمید... آهنگ رو همیشه بناروی؟
راستی دیکه کیوم آهنگای مایکل رو کاور کردی؟

من خورم اون آهنگ :و بخارم، شاید نزدیک به 4 سال پیش می شد، یک بار همون شب از استیو گرفتمش، گمش کردم و چو از نخوه میکنم راضی نبودم میگه هیچوقت بداعش نرکتم، حتی دیکه اون استیو هم نرفتم، گاهی پیش میومد که به چیز رو برای تجربه شخصی خودم ضبط می کردم، آهنگ You Rock My World هم جزو اون دسته از آهنگ ها بود، تا حالا سه بار اون آهنگ :و تویه دوره زمانی مختلف ضبط کردم، گاهی انگلیسی گاهی فارسی، مخصوصا از روزی که خودم استیو دارم وقتی خیلی دلم برای مایکل تنگ می شه می رم ریه آهنگش رو می دارم جلوم و چند ساعت از استیو بیرون میام و اینطوری احساس خودم رو تخلیه می کنم، همیشه تو این لحظه احساس می کنم خیلی به هم نزدیک شدیم و دائما مایکل رو تو گوش های خودم می شنوم،

به من قول دادن میکس رامیو NRJ بلژیک و وژن اصلی خود اون آهنگ رو از رامیو بگیرن و برام بفرستن، هر وقت فرستادن باهتون به اشتراک میذارم، اینطور که بهم گفتی از صداها راضی بودن و صداک می رو دقیقاً مایکس آخر و ایگانه گد شتی، شنیدنش برام خیلی جالبه!

راستش من کاور کردن رو برای منتشر کردن اصلاً دوست ندارم، سالها آهنگ های خودم :و ساختم و یک روز منتشرشون می کنم، گاهی پیش میاد که دوست دارم به آهنگی که دوستش دارم بیان فارسی و روانی متفاوت ازش ارائه بدم، و اکثر مواقع همه اینها تجربه های شخصیمه و هیچ کسی ازشون خبرداره

کارهایی که از مایکل به انگلیسی ضبط کردم خیلی زیادن
اما کارهایی که روشون ترانه فارسی گذاشتم اینها بودن:

State Of Shock

hbmj2
(میلرسایت)

آفلاین

طراح و صاحب اعتبار emJey

emJey Staff

ارسال ها: 1099
سیاس گفته شده: 857

شایان... برای کارگردان های ویدیوهای مایکل

#26013

کارگردان های ویدیو های مایکل 12 جولای 2012 14:38

در این تاپیک به معرفی کارگردان هایی می پردازم که ویدیو ها مجموعه ها و آثار مایکل را ساخته اند.

shayan69
(کاربر)

آفلاین

Working Day And Night:

Mr.Splendid

ارسال ها: 1229
سیاس گفته شده: 916

و اما برنده...



برنده این هفته فرشاد برای متن ترانه های مایکل در قالب pdf

#25891
متن ترانه های مایکل در قالب PDF 08 جولای 2012 20:34

از آلبوم تریلر شروع میکنم.
 متن تمامی ترانه های این آلبوم به صورت پی دی اف با حجم 200 کیلو بیت
 طرح روی جلد:



متن ترانه های آلبوم تریلر

کاری از: فرشاد رجب زاده

1. WANNA BE STARTIN' SOMETHIN'	2
2. BABY BE MINE	5
3. THE GIRL IS MINE	7
4. THRILLER	9
5. BEAT IT	11
6. BILLIE JEAN	13
7. HUMAN NATURE	15
8. P.Y.T.	16
9. THE LADY IN MY LIFE	18

Farshad.enmjei (فرشاد)



قالب: Will You Be There



رساله ها: 303
 سیاسی گفته شده: 48

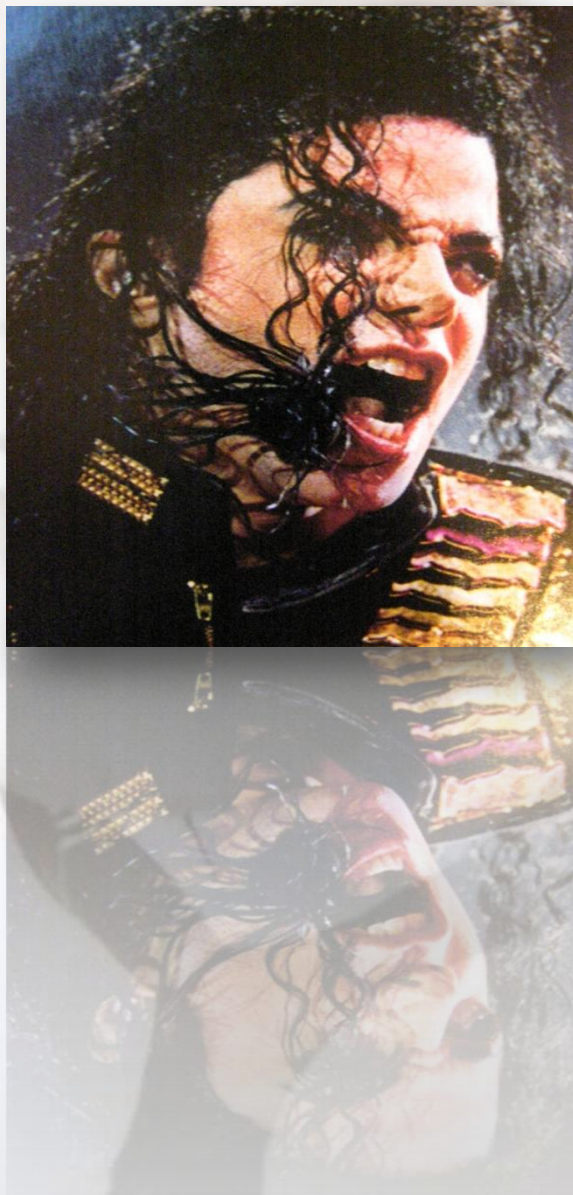
فرشاد جان بهت تبریک میگم

این هم جایزت:



...

و چهره این هفته هم کسی نیست جز شایان
شایان جان بابت حضور و فعالیت مفیدت در فروم ازت ممنونیم





سلام سما جان حال شما؟

سلام، خوبم

امیدوارم شما هم عالی باشی+..

میخوام برای شروع خودتو برای ما معرفی کنی

من، سما هستم به سادگی معماری خوندنم توی دانشگاه و به هنر، گرافیک و ادبیات علاقه دارم، موسیقی گوشم میدم و در حقیقت باهاش زندگی میکنم چون مثل داستانهای کودکی آدمو به جاهای بی نظیری میبره

خیلی خوبه امیدوارم موفق باشی

اهل کجا هستی؟

ایران زندگی میکنم....

کدوم شهر منظورم بود

خب ... من ترجیح میدم که اینو نگم اشکالی نداره از نظرت؟

مشکلی نیست ! میشه دلیل اسم این آیدی تو بهمون بگی؟ لی لی کیه؟

خب ... آیدی من اسم خاصی نیست که یادآور شخص خاصی باشه... مال خیلی وقت پیشه این آیدی و بعدا جی میل کاری ام به اسم خودم ساختم

که اینطور... جریان این + چیه؟

+.....؟

خب این یعنی انرژی مثبت بیشتر و بیشتر برای همه و برای خودم... هر کی که باهاشون در ارتباط هستم و همه آدما +.....+++....
+

تا حالا نتیجه خوبی هم دیدی ازش؟

بله... دیدم... خیلی زیاد....+ اول که اینکارو شروع کردم برای خودم و تغییر دید بیشترم نسبت به دنیا و آدما بود و نمیخواستم که نوعی اجبار به نظر بیاد... اما بعد به مرور زمان خیلی ها بهم گفتن که از این + ها انرژی میگیرن و خوشحالترن ..خودم هم همینطور

به نظر میاد ادم خاصی باشی ... مثلا با اینکه زیاد یکیو نمی شناسی اما روز تولدش کلی براش سورپرایز داری.. عکس و جمله های زیبا، چرا اینطوری هستی؟ خودتم موافقی که متفاوتی؟؟

به نظر من همه آدما تو زندگی ...+ آدم خاص و متفاوتی هستن... هیچ دو آدمی رو ندیدم تو زندگی ام که مثل هم باشن... اون چیزی که باعث صمیمیت و دوستی بیشتر آدما با هم میشه بیشتر از شبیه هم بودن... به نظر من احترام و محبتیه که به هم دارن...+ احترام به تفاوتها... و محبت و عشق به اون چیزی که هست

: من آدما رو به اندازه ی خودم میشناسم... تا اونجا که بتونم... نه کمتر و نه بیشتر برای اونا بیکه باهاشون در ارتباطم احترام قائلم... و در مورد روزتولد....+ هم باید بگم که این یه کاریه که من دوست دارم انجام بدم برای همه اوناییکه دوستشون دارم و آدمای جدید زندگی ام حتی... زادروز هر آدمی برای من خیلی زیباست و برای خانواده و دوستانم حتی اگه کار کوچیکی باشه دوست دارم خوشحالش کنم
+.....

بله موافقم... تا حالا توی این بین با کسی هم دعوات شده؟

با کی؟ در مورد چی؟

منظورم محیط نت با هر کسی راجع به هر چی

نه.... دعوا نشده تا حالا

چه خوب میخوام راجع به مایکل صحبت کنیم

باشه... +

چجوری بهش علاقه مندشدی؟

آشنایی من بامایکل از کودکی بود به عنوان نام مایکل جکسون ...+ یکنام .. یک رقصنده و خواننده بی نظیر که با تریلر همه دنیا رو منفجر کرده اما خودم بادیدن ویدیوی ...+ remember the time اولین بار بود که دیدمشو صداشو شنیدم و از همونجا خیلی ازش خوشم اومد

چون با ذهن داستان پرداز و رویایی کودکانه من خیلی جور در میومد ویدیوش ... آدمی که میاد و یهو غیب میشه و بعد فرار میکنه و هیچکس نمیتونه بگیردش و توی کوچه های افسانههای یه شهر میرقصه و آخر هم دوباره ناپدید میشه ... خیلی کوچیک بودم که این ویدیو رو دیدم

و از اونجا مایکلو شناختم +.....

فوت مایکل روی علاقت چه تاثیری گذاشت

خب... نمیتونم بیان کنم...

اما میخوام یه چیزی بگم

وقتی که 13 سالم بود اولین بار ترانه ی ...+ we are the world رو دختر دایی ام برام نوشت با ترجمه اش و بهم گفت که این ترانه رو بخونم... و اون زمان بود که فهمیدم مایکل چیزی بیشتر از یه رقصنده و خواننده معمولیه .. چیز بیبیشتر از دیدن ویدیوی remember the time تو فضای کودکانه

راجع به بعد از فوتش چی؟ میخوام راجع به اینکه چه تاثیری داشت توی علاقت توی زندگیت توضیح بدی

تاثیرش مثبت هست و خواهدبود..... من بعضی چیزا در مایکل میبینم که مورد علاقه امه و شاید به موسیقی ربطی نداشته باشه... مثل طبع حساس و توجه انسانی اش..... درونگرا بودنش... و همینطور توجه به جریان زندگی تودنیا.. طبیعت.. حیوانها.. انسانها ... و اینکه با سختی اینکه خودش باشه رو پذیرفت و آسیب دید.. اما تصمیم داشت که خودش باشه نیازی نبود که اینکارو بکنه اگه قرار بود نقش بازی کنه به قول بعضی ها خیلی زود از قالب نقشش بیرون میومد اما اینو پذیرفت من هم خیلی دلم میخواد که تو زندگی ام خودم باشم و سختیو بپذیرم... حتی بعضی جا ها آسیب میبینم اما.... اینو دوست دارم که برای خودم تلاش کنم

یعنی مرگ مایکل تویه زندگیت تاثیرات مثبت گذاشت؟

بله گذاشت....

فکر میکنی مایکل تویه مرگش نقشی هم داشته؟ ومقصر بود؟

برای من گذاشت تو زندگی شخصی اما ما این به اندوهی که از در گذشت مایکل احساس میکنم ربطی نداره مایکل در مراقبت از خودش باید توجه نشون میداد... فکر میکنم اینکارو نکرد باید دقت بیشتری میکرد تو انتخاب کسانی که وظیفه مراقبت ازش رو دارن اون هم در حالیکه خودش و برای کار بزرگی آماده میکرد چیز هایی هست که قطعاً من نمیدونم اما من میدونم پزشک خوب پزشکیه که حقیقت رو بگه به اون کسی که تحت مراقبتیه... و پزشکش اینطور نبود

نظرت در مورد فرزندای مایکل چیه اونا رو به اندازه مایکل دوست داری؟

بله... خیلی دوستشون دارم... خیلی زیاد و از اینکه بزرگ شدنشون رو میبینم خیلی خوشحالم +...

اینکه عکسای پاریس بعد از فوت مایکل همه جا دیده میشه چه حسی داری؟ فکر نمی کنی مایکل اگه بود دوست نداشت اینطوری بشه؟

خب به نظر من خیلی زود بود براش... من اینطور فکر میکنم در حقیقت اون چیزیکه احساس میکنم نگرانی برای موقعیت پاریسه که مورد هجوم آدمای نا درست قرار نگیره من فکر میکنم مایکل بیشتر مراقب بود و زمان ورود بچه ها رو بیشتر به جامعه به تاخیر مینداخت اما همین که خودش از خودش مراقبت میکنه خیلی عالیه+ از اینکه میبینم شخوشحال میشم

از هر لحاظ از بین بچه های مایکل فکر میکنی کدوم شون بیشتر شبیه مایکل هستن

خب از نظر شباهت ظاهری بلنکت...+ خیلی شبیه مایکله... چشمش و در کل استایلش

از نظر اخلاقی... گذر زمان نشون میده... اما پاریس و حرفا و رفتاراش چون بیشتر فعالیت داره میبینم که دختر با وقار و بزرگی شده +.....

اگه این اتفاقات برای مایکل نمیوفتاد میتونست باز موفق باشه؟ بعضیا به این اعتقاد دارن که مایکل توی اوج فوت شد که این خیلی خوبه

مایکل +....

مایکل موفق بود و این ربطی به زمان مرگش نداره اما مرگ خیلی چیزا رو تکیه میده مخصوصا در دوران اوج و اینکه مایکل سنی نداشت زمان درگذشتش بله میگن که آرزوی یه هنرمند تاتر اینه که روی صحنه و هنگام اجرا جلوی تماشاچیا بمیره

حالا مایکل هم زمان تصمیم برای یه اجرای بزرگ و جهانی درگذشته و این تاثیر زیادی تو بازتاب این عقیده داره

بله درسته، حالا بریم سراغ فروم... کی با انجمن مایکل آشنا شدی؟

سه ماه قبل از درگذشت مایکل با امجی آشنا شدم از طریق جستجو اینترنتی امجی رو پیدا کردم و خبراشو دیدم و از نظم کاری جدیتاش خوشم اومد خیلی عجیب بود انگار یه چیزی منو به این سمت هدایت کرد من برای یه پروژه درسی تحقیق میکردم و کارم جستجو شده بود و وقتی پر از اینکارا بای پروژه ام بود و از اون به بعد خبرها رو میدیدم وقتی مرورگرم پر از صفحه های مورد نظرم بود... یه دفعه یه صفحه باز شد که توش اخبار هنرمندها بود خیلی ناراحت شدم گفتم: نه این ربطی به کار من نداره چی معنی میتونه داشته باشه؟ میخوام ببندم صفحه رو... اما یه خبر از مایکل بود که داشت از مطب پزشکش خارج میشد

میدونستم مایکل داره خودشو آماده میکنه برای کنسرتها اما فقط در جریان خبرا بودم دنبالش نبودم از ماهواره میدیدم چه خبره

اسم مایکل رو سرچ کردم و امجی رو خیلی دیدم تو خبرا از اونجا با امجی آشنا شدم

چرا پس زیاد فعالیت نداری پست نمیدی؟

در مورد فعالیت هم... من بیشتر میدیدم که نوشته ها چی هستن و برای خوندنشون وقت میذارم همیشه اون موقع بیشتر و الان یه خورده کمتر الان هم نمیتونم زیاد به امجی سر بزنم با اینکه میخوام و اگه پستی بذارم باید دنبالش باشم... نظرا و صحبت با بچه ها که خیلی خوبه اما من در حال حاضر نمیتونم اینکارو انجام بدم امیدوارم هرچه زودتر شرایط بهتر بشه

منم امیدوارم... از پستها و تایپیکهای کی بیشتر خوشتم میومد؟

فروم قبل... حسین خورشیدی و حمید باقرلی بودن من دوست داشتم پستهاشونو و خوب بودن

در کل جدی گرفتن فردی به نام مایکل جکسون تویه فروم پاریسی منو به امجی ...+ علاقمند و پایبند کرد و امیدوارم همینطور هم بمونه

تو فروم جدید هم نسیم...+ در مورد آهنگها صحبت میکنه و من خیلی به این بخش علاقه دارم و میبینمش

به نظرت برای اینکه مته قبل پرحرارت بشه چه کاری بهتره؟

من نمیدونم واقعا چی شد که فروم ساکت تر شد.... فروم در اوج بسته شد من خودم یکی از اونایی بودم که دوست نداشتم اینطور بشه باید دید که خود بچه ها بیشتر در مورد چه چیزی تمایل دارن صحبت کنن؟ و چقدر میتونن کمک کنن و چقدر مدیرها بهشون کمک میکنند، من به گذشته امجی تعلق ندارم و نمیتونم درمورد همه چیز امجی صحبت کنم

مهم تاریخچه ی عضویت نیست مهم فعالیته امیدوارم تو هم زودتر بیشتر توی جمع باشی

هفته نامه رو خوندی

امیدوارم ++.....

بله... میبینم و از اینکه امجی هفته نامه داره خیلی خوشحالم و میدونم میتونه بهتر و بهتر باشه+...

انتقاد یا پیشنهادی اگه در موردش داری بگو

اینکه بچه های هفته نامه از بچه های دیگه دعوت کنن به همکاری... برای متفاوت بودن و بهتر بودن هفته نامه مثل صفحه بندی و گرافیکش ی انویسنده افتخاری برای یک شماره از هنرش و نو توانای یشون برای بهتر شدن هفته نامه استفاده کنن از همه بچه های هفته نامه هم سپاسگزارم ++... به خاطر کارخوب شون

ممنونم از لطفت سما جان

میدونی چرا انتخاب شدی برای مصاحبه؟

الناز ++... آذری... نازنین تو دو شماره قبلی از من نام برد نمیدونم چرا اما باید بگم از الناز ++..... خیلی چیزای خوب در یافت کردم و ازش ممنونم دوستخوب و قابل تحسینی برای منه و همیشه بهم لطف داره اون منو به مایکل نزدیکتر میکنه +... ++ چیزای خوبی ازش دریافت میکنم ...

خیلی خوب خیلی خوشحالم از این بابت

ممنونم+...

خب به عنوان پی نوشت هر چی دوست داری بگو

تو جریان عشق ++... در کنار همدیگه باشید ... بهترین ها رو براتون آرزو میکنم+++++.....++...





پیش بینی

پیش بینی میشود در هفته آینده، آمار عریان بودن های مایکل در موزیک ویدئوهای متعدد بیشتر و همینطور کنسرت های مختلفی لو برود.

پایان نامه

این هفته در اوج نا باوری ما کارمون رو انجام دادیم با تمام مشکلات زیادی که این هفته داشتیم. این شماره منتشر شد... امیدواریم از مطالب این هفته خوشتون بیاد...

